

پرونده

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ به باور صاحب‌نظران حوزه روابط بین‌الملل، سیاست خارجی منطقه‌ای و ارتقای روابط با همسایگان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین بخش سیاست خارجی آن کشور را تشکیل می‌دهد؛ چراکه به شکل مستقیمی بربردارنده منافع و به‌خصوص امنیت آن کشور است. در این زمینه با نگاهی به کارنامه یک‌ساله دولت سیزدهم به نظر می‌رسد حوزه‌ای که سیدابراهیم رئیسی توانسته است موفق ظاهر شود به همین مقوله سیاست خارجی منطقه‌ای و ارتقای روابط با همسایگان باز می‌گردد، در حالی که این نمره قبولی برای سایر حوزه‌های دیپلماسی با محوریت دیپلماسی برجامی و حصول توافق هسته‌ای در دولت سیزدهم تا زمان اعلام نتیجه نهایی مذاکرات نامشخص باقی می‌ماند. اگرچه باید این مهم را هم در نظر گرفت که احیای

برجام مسئله‌ای است که فراتر از اختیارات رئیسی و دولت به تنهایی است، اما چه عواملی سبب شد که دولت سیزدهم بتواند در یک سال گذشته به یک پوست‌اندازی قابل توجه در سیاست خارجی منطقه‌ای و ارتقای روابط با همسایگان دست پیدا کند؟ اگرچه رئیسی، هم در زمان تبلیغات انتخاباتی و هم پس از پیروزی در انتخابات اولویت سیاست خارجی خود را ارتقای روابط جمهوری اسلامی ایران در منطقه و بهبود مناسبات با همسایگان قرار داده بود، اما این سؤال وجود دارد که چرا دولت روحانی در هشت سال دوره خود نتوانست علی‌رغم تلاش‌های مستمر در این زمینه، به کارنامه قابل قبولی دست پیدا کند؟ به چه دلیل با دلایلی دولت سیزدهم توانسته است نفوذ ایران را در فاصله یک‌ساله میان همسایگان به‌خصوص کشورهای حاشیه

گفت‌وگوی «شرق» با سیدجلال دهقانی فیروزآبادی درباره ارزیابی سیاست خارجی منطقه‌ای دولت رئیسی دولت رئیسی، سیاست خارجی منطقه‌ای را به‌طور مستقل تعریف کرد

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی جزء آن دسته از کارشناسان و تحلیلگرانی است که کارنامه دولت رئیسی در حوزه سیاست خارجی با محوریت سیاست خارجی منطقه‌ای و روابط با همسایگان را قابل دفاع می‌داند؛ تا جایی که به باور او، عملکرد یک‌ساله دولت سیزدهم در این حوزه (سیاست خارجی منطقه‌ای) به اندازه خروجی هشت‌ساله دولت‌های یازدهم و دوازدهم است. به همین دلیل «شرق» به گفت‌وگو با این استاد روابط بین‌الملل و علوم سیاسی پرداخته تا علل و عوامل تقویت روابط با همسایگان در دولت رئیسی را جویا شود. در ادامه کپ‌وگفت با رابین فرهنگی اسبق ایران در امارات متحده عربی، دبیر علمی کنفرانس امنیتی تهران و رئیس پیشین دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، به بررسی چرایی ناکامی روحانی در سیاست خارجی منطقه‌ای نیز پرداخته‌ایم. البته سعی بر آن بوده در مقام قیاس و از منظر آکادمیک فرصت‌ها و چالش‌های دولت سابق و فعلی را با تمرکز بر روابط ایران با همسایگان به بوته نقد و تحلیل ببریم که در ادامه می‌خوانید.

♦ اگر در آغاز گفت‌وگو بخواهیم به طور مصداقی روی تفاوت سیاست خارجی منطقه‌ای دولت‌های یازدهم و دوازدهم با دولت سیزدهم تمرکز کنیم، این سؤال به وجود می‌آید که چرا «دیپلماسی لیخند»، «دیپلماسی انعطاف» و «دیپلماسی سلام» در زمان روحانی توانست به گشایش منطقه‌ای ایران با همسایگان منجر شود، اما سیدابراهیم رئیسی در نخستین سال دولتش توانست به یک پوست‌اندازی قابل توجه در حوزه روابط با همسایگان دست پیدا کند. تا جایی که به نظر می‌رسد عملکرد دولت فعلی معطوف به دیپلماسی منطقه‌ای قابل دفاع است؟

البته موفقیت سیاست خارجی دولت سیزدهم صرفا به سیاست منطقه‌ای آن محدود نمی‌شود. به نظر من مهم‌ترین تفاوت دیپلماسی منطقه‌ای در دولت‌های یازدهم و دوازدهم با دولت سیزدهم به ماهیت و جهت‌گیری سیاست خارجی دو دولت بازمی‌گردد.

♦ **تفاوت ماهیت به چه معنا؟ منظور گفتمان سازی در سیاست خارجی منطقه‌ای است؟**

به این معنا که رویکرد و جهت‌گیری دو دولت در حوزه سیاست خارجی منطقه‌ای و همسایگی متفاوت از همدیگر است. به هر حال باید پذیرفت که به دلیل جبر ژئوپلیتیک تعریف و تبیین روابطی مثبت و سازنده با همسایگان امری اجتناب‌ناپذیر است. اما سیاست خارجی منطقه‌ای و همسایگی لزوماً به معنای تعریف و پیشبرد روابطی بدون برنامه و اجباری با همسایگان نیست، بلکه بر اساس طراحی یک استراتژی دقیق، هوشمند و منطبق با واقعیات خواهد بود. تعریف و به‌کارگیری این استراتژی ماهیت سیاست خارجی منطقه‌ای و همسایگی دولت‌ها را روشن می‌کند که آیا دولت‌ها به دلیل همان جبر ژئوپلیتیک صرفا به دنبال برقراری و تداوم روابطی از سر ناچاری با همسایگان هستند یا اینکه دولت‌ها بر اساس همان استراتژی درست در سیاست خارجی منطقه‌ای و همسایگی به دنبال بهره‌برداری و استفاده هینه‌از تمام ظرفیت‌های سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری و فرهنگی، تاریخی… در جهت تعمیق روابط با همسایگان هستند.

♦ **ولی به نظر می‌رسد هیچ دولتی مشخصا در ایران سر‌عناد با همسایگان نداشته است، پس تفاوت ماهیت دولت‌ها چگونه سبب این تعریف فضای تعاملی با تقابلی تهران با همسایگانش شده است؟**

این مسئله کاملا طبیعی است که اساسا جمهوری اسلامی ایران سر دشمنی و ناسازگاری با همسایگان خود ندارد. این رابرد ثابت ما در چهار دهه گذشته بوده است که دولت‌ها هم آن را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. اما آنچه سیاست خارجی منطقه‌ای و همسایگی دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران را از همدیگر متمایز می‌کند، جهت‌گیری کلی و طراحی همان استراتژی است که در سؤال قبل به آن اشاره کردم. با این نگاه اگر به سیاست خارجی دولت‌های یازدهم و دوازدهم نگاه کنیم، با توجه به آنکه اولویت دیپلماسی حسن روحانی، تنظیم و بازتعریف روابط جمهوری اسلامی ایران با جهان بود و جهان هم از زویه دید دولت‌های یازدهم و دوازدهم به آمریکا و اروپا و انجام مذاکرات هسته‌ای و شکل‌گیری برجام با آنها خلاصه می‌شد، متأسفانه در نهایت سیاست خارجی روحانی در همه ابعاد و شنوشتن به دیپلماسی برجامی تقلیل پیدا کرد، تا جایی که عملا سیاست خارجی روحانی و ظرفیت برجام‌زده

شد، به همین دلیل دیگر جنبه‌های سیاست خارجی، به‌ویژه سیاست خارجی منطقه‌ای و همسایگان با مغفول ماندن یا در اولویت‌های بعدی قرار گرفت. به بیان دقیق‌تر چون اولویت سیاست خارجی دولت روحانی برقراری روابط با قدرت‌های جهانی به‌ویژه اروپا و آمریکا در سایه موفقیت برجام بود، سیاست همسایگی و منطقه‌ای ماهیتی «تبیعی» پیدا کرد؛ یعنی برقراری روابط با همسایگان تابعی از روابط ایران با قدرت‌های جهانی و تعیین وضعیت برجام بود.

♦ **اما ماهیت سیاست خارجی دولت سیزدهم چگونه تبیین، تعریف و اجرایی شد که در فاصله یک سال توانست به این پوست‌اندازی در سیاست خارجی منطقه‌ای روابط با همسایگان دست پیدا کند؟**
به نظر من عامل اصلی به جهت‌گیری، استقلال رویکرد و رویه‌ای بازمی‌گردد که دولت سیزدهم سعی کرد در سیاست خارجی منطقه‌ای در پیش بگیرد.

♦ **استقلال رویه به چه معنا؟**

به این معنا که دولت سیزدهم برای اولین بار روابط با همسایگان و دیپلماسی منطقه‌ای را به صورت مستقل از دیگر ابعاد سیاست خارجی و البته مرتبط با آنها تعریف کرد و آن را پیش برد.

♦ **اما گزاره شما نزدیک به واقعیت است؟ چراکه به نظر نمی‌رسد نه در دولت رئیسی و نه در هیچ دولتی بتوان تفکیکی بین دیپلماسی منطقه‌ای و روابط با همسایگان با دیگر ابعاد سیاست خارجی به‌ویژه دیپلماسی برجامی قائل بود. به‌ویژه که تکلیف برجام در تشدید و تقویت دیپلماسی منطقه‌ای دولت سیزدهم به‌شدت تأثیرگذار خواهد بود. غیر از این است؟**

نکته شما تا حدودی درست است، اما گفته من هم لزوماً به معنای این نیست که سیاست خارجی منطقه‌ای و دیپلماسی با همسایگان به صورت کاملا مستقل و جدا از دیگر ابعاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قابلیت تعریف و پیگیری دارد. گفته قبلی من به این معناست و بر این نکته تأکید دارد که دولت سیزدهم سعی کرده است دیپلماسی منطقه‌ای را مستقل به موازات دیگر ابعاد منطقه‌ای خارجی تعریف و تعقیب کند، نه به‌صورت تابعی از آنها. طبیعتا همه ابعاد سیاست خارجی ایران مانند دیگر کشورها بر همدیگر اثرگذار است. اتفاقا به نظر من ایسن مهم‌ترین تفاوت دیپلماسی منطقه‌ای دولت رئیسی با دولت روحانی و عامل اصلی موفقیت دولت سیزدهم در بالابردن سطح روابط دیپلماتیک با همسایگان بوده است. در این راستا تفاوت‌دیگر به تعریف و تلقی دو دولت روحانی و رئیسی از دیپلماسی بازمی‌گردد. چون اساسا ما با

دو تعریف و دیدگاه در دیپلماسی و علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مواجهیم. گاهی تلقی و تعریف از دیپلماسی به معنای سازش، مماشات و نهایتا تسلیم است و تعریف دیگری که من به آن معتقدم و در تعریف‌های مصطلح علوم سیاسی از دیپلماسی کمتر مطرح شده، این است که دیپلماسی یعنی هنر و توان اعمال مسالمت‌آمیز قدرت در روابط بین‌الملل؛ چراکه سیاست خارجی مهم‌ترین هدفش باید تأمین قدرت، منافع و امنیت ملی هر کشور در مناسبات جهانی باشد، اما به‌گونه‌ای که باعث تنازع، بحران و نهایتا جنگ با دیگر بازیگران منطقه‌ای و جهانی نشود. بنابراین در دولت آقای روحانی عمدتا تلقی از دیپلماسی این بود که جمهوری اسلامی ایران جهت پرهیز از تنش باید از عناصر قدرت خود در سه حوزه هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای دست بکشد یا عقب‌نشینی کند. در صورتی که باید عناصر و پارامترهای تولیدکننده و تأمین‌کننده قدرت ملی،

خلیج فارس دوباره احیا کند تا جایی که علاوه بر پیگیری عربستان سعودی درخصوص نشست بغداد برای ازسرگیری روابط با ایران، اکنون امارات متحده عربی روابط خود را به سطح سفارت بازگردانده و سفیر خود را به تهران اعزام می‌کند. در کنارش اردن و مصر خواهان احیای روابط با جمهوری اسلامی هستند و کویت هم نیم‌نگاهی به تقویت مناسبات با ایران دارد. اینها علاوه بر آن است که دیگر کشورهای فراتر از حوزه خلیج فارس و بیرون از منطقه خاورمیانه مانند تاجیکستان هم که روابط سردی را با ایران در دوره حسن روحانی تجربه کردند، به نگاه در دولت سیزدهم، ارتقای روابط، آن هم در سطح سران را با جمهوری اسلامی از سر گرفتند؟ این دیپلماسی منطقه‌ای دولت رئیسی که می‌توان از آن به دیپلماسی سفید یاد کرد، پس از شکل‌گیری

چرا رئیسی توانست اما شیخ دیپلمات نتوانست؟!

نگاهی به دیپلماسی سفید دولت سیزدهم

یمان ابراهیم که به حضور اسرائیل در پشت مرزهای آبی ایران در خلیج فارس و دریای عمان منجر شد، چگونه توانست یک توازن‌بخشی را در سطح منطقه ایجاد کند؟ «شرق» در این زمینه و برای یافتن پاسخ سؤالات فوق و دیگر پرسش‌هایی که در این رابطه وجود دارد گفت‌وگوهایی را با سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و سیدعلی سقاییان صورت داده است تا از نگاه این دو کارشناس و دیپلمات که مدافع کارنامه دولت رئیسی در حوزه سیاست خارجی هستند، به بررسی و ارزیابی عوامل موفقیت نسبی این دولت در دیپلماسی منطقه‌ای نائل آید. در کپ‌وگفت با سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، محوریت بحث روی یک نگاه آکادمیک استوار است و در مصاحبه با سیدعلی سقاییان سعی شده از نگاهی دیپلماتیک و تجربه ایشان در حوزه دیپلماسی به مسئله ورود کنیم.



کافی در جهت اجماع‌سازی بین نیروهای سیاسی داخلی را داشته باشند. عامل دیگر در ناکامی دولت روحانی، ناتوانی و ضعف در بسیج امکانات و ظرفیت‌های ملی برای پشتیبانی و حمایت از سیاست خارجی منطقه‌ای و دیپلماسی با همسایگان بود که تجلی، بروز و ظهور عینی آن را در الفاظ دوگانه‌ای «دیپلماسی» و «میدان» دیدیم. اتفاقا در نهایت خود آقای دکتر ظریف هم تصریح کرد که این دوگانه‌سازی حکایت از آن داشت که وزارت امور خارجه دولت سابق در زمینه اجماع‌سازی مطلوب و لازم بین نیروهای داخلی موفق عمل نکرد. اما عامل مهم‌تری که نباید از نظر دور داشت بی‌اعتمادی و نوعی گسل بین ارکان نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با دولت روحانی، به‌خصوص در حوزه سیاست خارجی با محوریت سیاست منطقه‌ای و دیپلماسی با همسایگان بود. خاصه آنکه دولت روحانی بعد از برجام هسته‌ای به نوعی خواستار تحقق برجام منطقه‌ای و برجام موشکی نیز بود. همین نگاه باعث نوعی بی‌اعتمادی و شکاف بین ارکان دیگر نظام سیاسی جمهوری اسلامی با دولت روحانی شد. عامل مهم دیگری هم که باید به آن اشاره کرد تعارض گفتمان بین دولت روحانی با گفتمان کلی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران بود. این عامل نیز در کنار فقدان دولتی مقتدر و منسجم در پیشبرد و تحقق ناکام دیپلماسی منطقه‌ای مؤثر بود؛ چراکه باید کلیت دولت و کابینه در کنار وزارت امور خارجه به صورت یک شاکله واحد و به شکلی کاملا هماهنگ روابط با همسایگان و کشورهای منطقه را در همه حوزه‌های سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی، نظامی، امنیتی، دفاعی، مرزی، تجاری، اقتصادی و… پیش ببرد. این کار تنها وظیفه وزارت امور خارجه نیست. همه وزرا، وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌ها در دولت و حاکمیت باید به شکلی هماهنگ با وزارت امور خارجه به وظایف خود در تحقق دیپلماسی منطقه‌ای و ارتقای روابط با همسایگان در همه ابعاد عمل کنند، چون دیپلماسی منطقه‌ای فقط محدود و منحصر به روابط دیپلماتیک نیست. متأسفانه در دولت روحانی چنین هماهنگی‌ای وجود نداشت و هرکدام از وزارتخانه‌ها متفاوت و حتی متضاد با وزارت امور خارجه عمل می‌کردند. حتی آقای دکتر ظریف بارها عنوان کردند که برخی از وزرای دولت روحانی با نگاه وزارت امور خارجه در ارتقای روابط با برخی از کشورهای همسایه همراه نیستند. حتی بخشی از بدنه ریاست‌جمهوری هم در تضاد با رفتار و عملکرد وزیر امور خارجه سابق قرار داشتند. همین مسئله باعث شد که کارنامه دیپلماسی منطقه‌ای دولت یازدهم و دوازدهم موفق و مطلوب نباشد.

♦ **با تمام نکاتی که به آن اشاره کردید، هنوز این سؤال برای من وجود دارد که چرا دولت روحانی با دیپلماسی لیخند توانست اعتماد کشورهای همسایه را برای ارتقای روابط در آن هشت سال جلب کند؛ در حالی که دولت رئیسی ذیل تحقق پروژه یک‌دست‌سازی قدرت و شاید امتدادی از دیپلماسی میدان توانست به یک تغییر معنادار در ارتقای روابط با همسایگان دست یابد؟**
یکی دیگر از عوامل به ناکامی دولت روحانی در مدیریت همه‌جانبه سیاست خارجی بازمی‌گشت، چون این عامل لازمه تحقق دیپلماسی موفق در هر دولتی است. عامل دیگر در ناکامی دولت روحانی ناظر بر عدم توان دولت سابق برای اجماع‌سازی در حوزه سیاست داخلی در جهت تبیین و تعقیب سیاست خارجی مطلوب، به‌خصوص در قبال همسایگان است. واقعیت این است که دولت روحانی، به‌ویژه وزارت خارجه، توان اجماع‌سازی داخلی برای تحقق یک سیاست خارجی منطقه‌ای مطلوب را نداشت. در صورتی که بیش از نیمی از موفقیت جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی منطقه‌ای و تحقق روابط با همسایگان معلول توان دولت‌ها در اجماع‌سازی داخلی است.

هر دولتی برای ایجاد دیپلماسی منطقه‌ای باید توان و مدیریت

دوست عزیز و فرهیخته

سر کار خانم سارا نیک‌بنیاد

غم جانکاه فقدان پدر بزرگوارتان را به شما و تمامی بازماندگان تسلیت می‌گوییم و برایتان آرزومند شکیبایی هستیم.

جمعی از دوستان قدیم شما در انجمن‌های اسلامی دانشجویان و دختر تحکیم وحدت

زهرآ توحیدی، علیرضا جلالی، علیرضا خوشبخت

نقیسه زارع‌کهن، علیرضا سیاسی‌راد

حامد شجاعی، حجت شریفی، بهزاد طالبی

علی فرخی، بهرام فیاضی، رضا مجبی

حجت میرزایی، آرش هاشمی